

The Delineation of Traumas Corresponding to the War and its Consequences in the Novel of Divar

Shirzad Tayefi*

Azar Savabi Esfahani**

Abstract

In stipulation of language and narration as amongst the most expressive devices, the war literature evinces appalling and suppressed concomitants of confrontations in the collective perceptions. Nonetheless, certain of these literary works, particularly those who have discretely detached from the years of warfare have been adroit in providing more distinctive and effectual explications of this communal authenticity. The novel of Divar written by Alireza Gholami perhaps remains in this category. Divar demonstrates an all-out war novel, an account of expressing a realistic view, unconventional and altered to the issue of the Iran-Iraq war, which maintains inconsistent with and occasionally contradictory to what is occurring in the domain of war theme in the society. In this study, Divar has been analyzed through the method of qualitative-quantitative analysis and according to Freud's individual trauma and Jeffrey Alexander's collective trauma. The components of violence, destruction, shouting, death and discipline have correlated with the most important occurrence of traumas in the characters of, Divar, respectively. In this novel, the

* Associate professor of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author), sh_tayefi@yahoo.cm

** Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, azarsavabi@gmail.com

Date received: 2022/11/30, Date of acceptance: 2023/02/11



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

objective implications of traumas have been illustrated in the states of shock, anxiety, coldness and indifference, numbness and isolation, disordered behavior of children, aggression, retrospection of embittered memories, and destruction of human relationships.

Keywords: Collective Trauma, Divar Novel, Individual Trauma, War Literature, War Trauma.



بازنمایی ترومای ناشی از جنگ و پیآمدهای آن در رمان دیوار

شیرزاد طایفی*

آذر صوابی اصفهانی**

چکیده

با آغاز جنگ هشت‌ساله میان ایران و عراق، جنگ و پیآمدهای آن با نمودهای مختلفی در رسانه‌های ایران و جهان و همچنین آثار بسیاری از نویسندگان بازتاب یافت، اما برخی از این آثار، به‌خصوص آن دسته که از سال‌های جنگ فاصله گرفته‌اند، همانند یک رسانه قوی عمل کرده و تعبیر متفاوت و مؤثرتری از این واقعه اجتماعی ارائه داده‌اند، زیرا اگر زبان و روایت را یکی از قوی‌ترین ابزار ارتباطی قلمداد کنیم، ادبیات جنگ می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابزار برای بازنمایی تأثیر فجایع سرکوب‌شده جنگ در اذهان جمعی باشد. رمان *دیوار*، نوشته علی‌رضا غلامی، را شاید بتوان در این دسته از آثار جای داد. *دیوار* یک داستان جنگ تمام‌عیار است؛ روایتی حاکی از نگاهی رئالیستی، غیرمتعارف، و متفاوت به مسئله جنگ ایران و عراق، که با آنچه در زمینه جنگ در جامعه جاری است متفاوت و در تقابل است. در این جستار، *دیوار* با روش تحلیل کیفی - کمی و باتوجه به آرای ترومای فردی فروید و ترومای جمعی جفری الکساندر بررسی شده است. مؤلفه‌های خشونت، ویرانی، صدهای ناهنجار، کشتار، و دیسپلین به‌ترتیب بیش‌ترین نقش را در بروز تروما در شخصیت‌های *دیوار* داشته‌اند. تروما بنیان روابط این انسان‌ها را دگرگون کرده و هویتی برای آن‌ها باقی نگذاشته است؛ تا آن‌جا که هویت از دست‌رفته مردم در روای بی‌نام و شهری بی‌نام انعکاس یافته است. پیآمدهای عینی تروما در این داستان، در قالب شوک،

* دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، sh_tayefi@yahoo.cm

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، azarsavabi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

اضطراب، سردی و بی‌عاطفگی، کرحتی و انزوا، اختلال در رفتار کودکان، پرخاش، مرور خاطرات تلخ، و نابودی ارتباطات انسانی نمود یافته است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات داستانی جنگ، ترومای جمعی، ترومای جنگ، ترومای فردی، رمان دیوار.

۱. درآمد و طرح مسئله

شاید قدیمی‌ترین و هولناک‌ترین تجربه اجتماعی بشر جنگ باشد که همواره و در هر برهه از تاریخ آثار و تبعات هولناکی در جوامع انسانی برجای گذاشته است. به همین سبب، بخش بزرگی از تاریخ و ادبیات جهان به این پدیده اختصاص یافت و مللی که تاریخ آن‌ها با جنگ همراه بود به آفرینش ادبیاتی در این باره دست زدند که این ادبیات، با توجه به نقش و موضعی که این کشورها در جنگ داشتند، با عناوین متفاوتی چون ادبیات مقاومت، ادبیات جنگ یا ضدجنگ، و ادبیات دفاع مقدس شناخته شدند.

در ایران، با آغاز جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و با دگرگون‌شدن زندگی بر اثر آن، نویسندگان و شاعران کوشیدند واقعیت هولناک جنگ را منعکس کنند. از این رو، این مقوله وارد ادبیات داستانی ایران نیز شد و چاپ آثار تأثیرپذیرفته از جنگ و تبعات آن در زمان کوتاهی شتاب گرفت؛ چنان‌که «تا سال ۱۳۷۰ نزدیک به ۱۶۰۰ عنوان داستان کوتاه در مجلات و مجموعه داستان‌ها و ۴۶ رمان و داستان بلند انتشار یافت» (میرعابدینی ۱۳۷۷: ۸۸۹).

این آثار، با توجه به زمان، شرایط، و فضای تولیدشان، در بردارنده پیام‌ها و مفاهیم متفاوتی از جنگ بودند که «بیان مفاهیم ارزشی و متعالی دفاع جنگ‌آوران، نشان‌دادن معضلات اجتماعی، و تبعات انسانی برآمده از جنگ و نگاه انتقادی به آن از موضوعات شاخص در این شاخه از ادبیات داستانی ایران است» (داودی مقدم و شاه‌محمد میراب ۱۳۹۲: ۱۷).

در طی دوران جنگ، به دلیل شور موجود میان مردم و حفظ ارزش‌های انقلاب و دفاع از میهن، اغلب آثار به تقدیس دفاع اختصاص داشتند و «نویسندگان بیش از علل و اسباب یا آثار و عواقب جنگ به توصیف جلوه‌های مقاومت می‌پرداختند» (سعیدی ۱۳۸۴: ۲۳)، اما به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر ساختار ادبیات داستانی جنگ نیز به سمت واقع‌گرایی انتقادی تمایل بیشتری یافته و در میان این آثار بعضی، به خصوص آن دسته که از سال‌های جنگ فاصله گرفته‌اند، به دلیل نگاه منصفانه‌تر و دور از هیجانات موجود در دوران جنگ،

قابلیت بهتری برای نقدهای روان‌کاوانه و جامعه‌شناختی داشته و توانسته‌اند تعابیر متفاوت‌تر و مؤثرتری از واقعیت‌های اجتماعی ارائه دهند و واقعیت نهفته در جنگ را از طریق روایت بی‌طرفانه آن آشکار کنند. به این ترتیب، در سال‌های اخیر عده‌ای می‌خواهند از جنگی بنویسند که کودکی و نوجوانی‌شان در آن گذشت و روایت‌های آنان با نویسندگان سال‌های ابتدایی جنگ متفاوت است. این گروه فاصله زیادی از جنگ گرفته‌اند، ذات جنگ را ویران‌گر می‌دانند، و می‌خواهند نشان دهند در جنگ تحمیلی بر این مردم چه گذشته و جنگ با سرزمین آن‌ها چه کرده است.

علی‌رضا غلامی دیوار را با این مضمون نوشته و این رمان را می‌توان گزارشی بی‌طرف از فجایع جنگ خواند، زیرا نویسنده بی‌هیچ عاطفه، هیجان، یا حتی قضاوتی، به‌جای روایت صرف از قهرمانی‌ها، از رنج‌ها و وحشت انسان‌ها به‌هنگام حملات هوایی و در یک کلام حقایق تلخ و انکارناپذیر جنگ سخن گفته است. این داستان روایت یک روز از زندگی نوجوانی بی‌نام در شهری بی‌نام و گرفتار در چنگال جنگ است؛ فضایی سرشار از وحشت، دلهره، و اضطراب که حس عاطفی خواننده را به‌شدت درگیر و آن را به‌بستر مناسبی برای نقد و تحلیل جامعه‌شناختی و روان‌کاوی بدل کرده است، اما یکی از مباحث مرتبط روان‌شناسی و جامعه‌شناسی با پدیده جنگ مبحث تروما (trauma) یا روان‌زخم است که از این طریق می‌توان به مطالعه علل و عوامل آسیب به انسان‌ها و پی‌آمدهای آن در بستر جامعه جنگ‌زده پرداخت.

به هر ترتیب، حوادث دل‌خراش جنگ دلیل روشنی برای بروز ترومای فردی و جمعی در میان مردم سالیان جنگ بود که، با توجه به تعاریف و مفاهیم روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در حوزه تروما، انعکاس آن در ادبیاتی که ادبیات جنگ نام دارد دور از تصور نیست. از سوی دیگر، شاید یکی از کاربردی‌ترین ویژگی‌های ادبیات این باشد که با روایت بخشی از واقعیت‌ها و نشان‌دادن پلیدی‌ها، خشونت‌ها، و رنج انسان‌ها، به‌شکل ادبیات داستانی، نقش بازدارندگی از بلایایی چون جنگ را ایفا می‌کند.

به این ترتیب و به‌طور خلاصه، در این پژوهش به‌بازنمود ترومای فردی و جمعی ناشی از جنگ، پی‌آمدهای آن، و واکنش انسان‌ها به این‌گونه آسیب‌ها در رمان دیوار پرداخته می‌شود تا بلکه بتوان گوشه‌ای از حقایق جنگ، مصائب آن، و تأثیر این پدیده در انسان‌های درگیر جنگ را به دور از احساسات و عواطف خاص منعکس کرد و دریافت که آیا رمان دیوار توانسته است در روایت و گزارش یک روز جنگی با منطق روایت جنگ

هم‌سو باشد و نزدیک‌ترین گزارش را به روزهای هول‌ناک مردم جنگ‌زده در شهری جنگ‌زده ارائه دهد.

۱.۱ پرسش‌های پژوهش

۱. در رمان *دیوار* کدام‌یک از پی‌آمدهای جنگ نقش مهم‌تر و بسامد بیش‌تری در ایجاد تروما در شخصیت‌های داستان دارند؟
۲. کدام‌یک از پی‌آمدهای تروما در رمان *دیوار* نمود بیش‌تری دارد؟
۳. ترومای فردی و جمعی چگونه در این اثر بازتاب یافته است؟

۲.۱ فرضیه‌های پژوهش

۱. جنگ نظم معمول جوامع را دچار خلل می‌کند و مشخصه‌هایی چون خشونت، ویرانی، کشتار انسان‌ها، و ازهم‌گسیختگی خانواده و جوامع بخش جدانشدنی از هر نزاع و جنگ است که در اغلب موارد در افراد سبب بروز تروما می‌شود. به‌نظر می‌رسد در رمان *دیوار* این موارد به‌شیوه‌ای پُررنگ و اعتراض‌آمیز با بسامد بالا بازتاب یافته است.
۲. تاریخ نشان داده مللی که جنگ را تجربه کرده‌اند هرگز نمی‌توانند درد و آسیب آن را از یاد ببرند و چه‌بسا این آسیب به نسل‌های بعد نیز منتقل شود. تروما در این افراد به‌گونه‌های مختلفی بروز می‌یابد که به‌نظر می‌رسد اضطراب، افسردگی، و اختلال در رفتار، به‌خصوص در کودکان، در این اثر بسامد بالایی دارد.
۳. بازتاب تروما در این اثر در برخی موارد به‌صورت مستقیم و عینی و در برخی موارد به‌گونه‌ای پیچیده‌تر ظاهر شده است که گاه علل و عوامل ایجاد تروما را می‌توان در لحظه برخورد موشک به مدرسه و قفل‌شدن دهان بچه‌ها به‌وضوح دید و گاه با علل و عوامل نامحسوسی مانند سابقه رفتار ناپدری که معلول جنگی است با راوی نوجوان داستان و ایجاد حس شرم، تحقیر، و اضطراب در او مشاهده کرد.

۳.۱ پیشینه پژوهش

مطالعه تروما، علاوه‌بر حوزه روان‌کاوی، در زمینه‌های بینارشته‌ای از جمله در تعامل با جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، مطالعات فرهنگی، روایت‌شناسی، و ادبیات هم انجام

بازنمایی ترومای ناشی از جنگ ... (شیرزاد طایفی و آذر صوابی اصفهانی) ۱۶۹

گرفته است. همچنین، درباره این مبحث از جنبه‌های مختلف مقاله‌هایی در نشریات ایرانی چاپ شده که در ادامه به برخی آثار کلیدی در زمینه مطالعه بازنمود تروما در ادبیات اشاره خواهد شد.

استیون هویس (2015) فصلی از پایان‌نامه خود را به بررسی تروما در رمان *شنبه اختصاص داده است*. وی باور دارد که رمان *شنبه* دارای ترومای فرعی و هم‌دردی است. فریده پورگیو و احسان بقایی (۱۴۰۰) در *نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان* در مقاله «تروما در داستان *پسا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱*» با استفاده از انگاره ترومای فرهنگی الکساندر مجموعه داستان *آبی ماورای بحار*، اثر مندنی‌پور، و *شنبه*، اثر ایوان مک یوئن، را بررسی کرده‌اند.

مریم خسروشاهی بناب و منصور حسامی کرمانی در *نشریه باغ نظر* در مقاله‌ای با نام «بررسی بازنمود روان‌زخم فردی و جمعی ناشی از دو جنگ جهانی در هنر» به بازنمود روان‌زخم فردی و جمعی ناشی از جنگ در آثار هنری در سال‌های پس از جنگ جهانی اول و دوم پرداخته‌اند.

محمود آقاخانی بیژنی (۱۳۹۶) نیز در در فصل‌نامه *تقد ادبی*، در مقاله‌ای با نام «جلوه‌های ترس و اضطراب در رمان *زمین سوخته*»، رمان *زمین سوخته* را، که در بیان وقایع جنگ تحمیلی و فشارهای روحی-روانی ناشی از جنگ نوشته شده، از جنبه‌های مختلف از جمله روان‌کاوی فروید و با هدف بررسی و تحلیل جلوه‌های ترس، اضطراب، و مکانیسم‌های دفاعی بررسی کرده است. مقاله عالی‌زاد و شجاعی باغینی (۱۳۹۶)، در فصل‌نامه *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، درباره کاربرد تاریخ شفاهی در بازتاب ترومای جمعی است.

محمدسعید ذکایی (۱۳۹۰) در مقاله «سیاست حافظه، حافظه فرهنگی، و ترومای فرهنگی در تاریخ معاصر ایران»، در *نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، به شرح کاملی از پژوهش‌های فرهنگی و حافظه می‌پردازد. خان‌محمدی (۱۳۹۷) درباره حافظه و ترومای فرهنگی در سایت «انسان‌شناس ایرانی» به شرح چندین ترومای منطقه‌ای و جهانی و ارتباط حافظه و تروما پرداخته، تاریخچه‌ای از بررسی پژوهش‌ها را در این گستره بازگو، و بخش‌هایی از کتاب الکساندر را ترجمه و بررسی کرده است.

درباره رمان *دیوار*، جز تعدادی یادداشت از منتقدان ادبی در مطبوعات کشور، تاکنون پژوهشی شایان ذکر انجام نگرفته است، زیرا این کتاب زمستان ۱۳۹۳ به بازار آمد و زمستان

۱۳۹۴، درحالی که چاپ سوم آن آماده توزیع بود، توقیف شد. به این ترتیب، فرصت شناخته شدن بیش تر و پژوهش درباره آن در میان فعالان این حوزه چندان حاصل نشد، اما پویا نوری نایینی (2018) در بخشی از رساله دکتری اش در کشور آلمان و به زبان آلمانی به این اثر پرداخته است.

۴.۱ مبانی نظری

در دنیای امروز شاید تروما واژه غریبی نباشد و مانند قدیم به شرح و تفسیر چندانی نیاز نداشته باشد، زیرا اگر فقط یک روز سرتیتر اخبار جهان را مرور کنیم، خواهیم دید که، به تعبیر استورلو، «عصر ما عصر تروماست» (vide. Resende and Budryt 2014).

علاوه بر فروید، که نامی آشنا در عرصه نظریه های روان کاوی است، نظریه های روان کاوی درباره ریشه ها و تأثیرات تروما در مطالعات مربوط به شوک و هیستری در قرن نوزدهم توسط برخی محققان به وجود آمد؛ از جمله جوزف بروئر (Josef Breuer)، پیر ژانت (Pre Janet)، ژان مارتین شارکو (Jean-Martin Charcot)، هرمان اوپنهایم (Hermann Oppenheim)، آبرام کاردینر (Abram Kardiner)، و مورتون پرنس (Morton Prince). اما، نظریه های فروید (Sigmund Freud) درباره تجربه آسیب زا و حافظه از مهم ترین مفاهیم روان شناختی در این حوزه است. به همین دلیل، رویکردی که در این پژوهش به مفهوم تروما اتخاذ شده است تا حد زیادی متکی بر مطالعات فروید درباره ترومای فردی و جفری الکساندر در زمینه ترومای جمعی است.

۱.۴.۱ ترومای فردی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگران در اواخر قرن نوزدهم گمان می کردند که میان تروما و شوک رابطه ای وجود دارد. فروید در گزیده مقالاتش درباره هیستری و سایر روان رنجوری ها (selected papers on hysteria and other psychoneuroses) میان علل و نشانه های هیستری و تروما مشابهت هایی تشخیص داد و مفهوم جدید «هیستری آسیب زا» را مطرح کرد، اما پس از مدتی این دو را از هم جدا کرد و بروز تروما را به افزایش هیجانانی نسبت داد که خارج از قدرت سیستم عصبی بدن است.

او در تعریف دلایل بروز تروما تأثیر رنج آور و دردناک حس وحشت، اضطراب، شرم، یا هر حس درد آلود روانی دیگر مرتبط با حادثه را عامل مؤثر و ثابت آسیب زای روانی

بازنمایی ترومای ناشی از جنگ ... (شیرزاد طایفی و آذر صوابی اصفهانی) ۱۷۱

معرفی کرد (Freud 1912: 3) و معتقد بود وقایع آسیب‌زا تعارضاتی را در «خود» ایجاد می‌کنند که اگرچه سرکوب می‌شوند، انسجام «خود» را از بین می‌برند و دوباره در رؤیا تکرار می‌شوند. به این ترتیب، تعارضات ناشی از تروما سبب بروز روان‌رنجوری آسیب‌زا (traumatic neurosis) می‌شود که نتیجه شکافی آشکار در سپر حفاظتی در برابر محرک‌های خارجی خواهد بود.

از نظر فروید، تروما در دو حالت بروز می‌کند: اول، زمانی که سیستم عصبی قادر به رهاکردن هیجانانگیز نباشد؛ دوم، زمانی که هیجانانگیز در زمان و مکان نادرست رها شوند (همان).

فروید در ۱۹۲۰ در «ورای اصل لذت» (beyond the pleasure principle) به ترومای ناشی از جنگ نیز اشاره کرد و آن را به وضعیت بعد از ضربه‌های مکانیکی شدید و سایر حوادثی نسبت داد که می‌توانند زندگی را در معرض خطری جدی قرار دهند. به این ترتیب، تروما هم به‌عنوان عاملی خارجی که سیستم بدون آمادگی را شوکه می‌کند هم به‌عنوان یک واکنش دفاعی داخلی در برابر تحریک بیش از حد توصیف می‌شود (Freud 1920: 18).

به این ترتیب، «مشخصه روان‌رنجوری آسیب‌زا تکرار ناگزیر یادآوری واقعه دردناک با امید تسلط بر احساسات ناخوش‌آیند است» (خسروشاهی و حسامی کرمانی ۱۳۹۶: ۷).

به گفته فروید، ذهن همانند سازه‌ای شامل لایه‌های بیرونی و درونی است که لایه بیرونی سپری حفاظتی در برابر محرک‌های مضر خارجی دارد. باین حال، هنگامی که ترس، یعنی حالتی که فرد در معرض خطر قرار می‌گیرد، به‌طور ناگهانی و در غیاب اضطراب رخ می‌دهد، محرک‌های خارجی سبب روان‌رنجوری می‌شوند، زیرا اضطراب به‌عنوان یک سازوکار محافظتی در برابر روان‌رنجوری آسیب‌زا عمل می‌کند، اما ترس غیرمنتظره با هیچ دفاعی روبه‌رو نمی‌شود. این‌گونه محرک‌های خارجی بدون دفاع داخلی کافی در سپر رخنه می‌کنند و به روان داخلی وارد می‌شوند. او می‌نویسد: «ما هرگونه تحریک خارجی را که به اندازه کافی برای شکستن سپر حفاظتی قوی باشد آسیب‌زا (traumatic) توصیف می‌کنیم» (Freud 1920: 24).

باتوجه به آنچه گفته شد، ترومای فردی را می‌توان به‌طور خلاصه از طریق سه مؤلفه تعریف کرد:

- «روی‌دادی که از نظر عاطفی دردناک یا ناراحت‌کننده باشد؛

- به‌طور غیرطبیعی شدید یا استرس‌زا باشد؛

- در سلامت جسمی و روانی تأثیر نامطلوب و پایداری بگذارد» (Weisner 2020: 1).

مواجهه با این دسته از روی‌دادهای آسیب‌زا در دو صورت به بروز اختلالات ترومایی منجر می‌شود: نخست، تجربه، مشاهده، یا اطلاع از اتفاق یا اتفاقاتی که حیات فرد را تهدید می‌کند آسیب‌های جدی به او وارد می‌کند یا به تعدی و تجاوز به او منجر می‌شود؛ دوم، واکنش به این اتفاق با ترس و وحشت یا عجز همراه است که دربارهٔ کودکان باید رفتارهای تهییجی، بی‌تابی، و بی‌نظمی را نیز افزود (Schiraldi 2009: 6).

۲.۴.۱ پی‌آمدهای تروما

تروما، که خود پی‌آمد خشونت است، پی‌آمدهایی نیز در پی دارد. روی‌دادهای آسیب‌زا نه‌تنها بر ساختارهای روانی فرد، بلکه در روابط و مفاهیمی تأثیر می‌گذارند که موجب پیوستگی فرد و اجتماع می‌شود (Herman 1992: 37).

افراد مبتلا به تروما احساس می‌کنند که رهاشده، مطرود، و تنها هستند و از نظام‌های مراقبتی و حمایتی بشری کنار گذاشته شده‌اند. این حس انزوا و عدم پیوستگی بر همهٔ روابط آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ از روابط خانوادگی صمیمی گرفته تا روابط اجتماعی و باورهای دینی (موسوی‌نیا و دیگران ۱۳۹۹: ۲۴۴).

در مواردی تجربهٔ یک روی‌داد آسیب‌زا ابتکار عمل و شایستگی‌های فرد را از او سلب می‌کند و، در عوض، حس گناه، عذاب وجدان، و حقارت به او القا می‌کند. دو حس شرم و تردید از جمله واکنش‌های عاطفی پس از روی‌دادهای آسیب‌زا هستند. «شرم عکس‌العملی است نسبت به عجز در برابر تعدی به وحدت روحی و جسمی؛ و تردید منعکس‌کنندهٔ ناتوانی در حفظ دیدگاه مستقل فردی در حضور جمع است. به بیان دیگر، بازمانده به دیگران و حتی به خودش اعتماد ندارد» (همان: ۲۴۵).

به‌طور کلی، پی‌آمد اصلی تروما این است که یک بحران بیرونی به تجربهٔ یک بحران درونی تبدیل می‌شود که بر هویت افراد و دیدگاه آن‌ها دربارهٔ خویشتن و دنیا اثر می‌گذارد و آن‌ها را به انسان‌های جدیدی تبدیل می‌کند. این افراد انسان‌های بی‌تفاوتی هستند که حس مشارکت عاطفی و اشتیاق خود را از دست می‌دهند و به‌پوچی می‌رسند.

۳.۴.۱ ترومای جمعی

جفری الکساندر (Jeffrey Alexander) تروما را پدیده‌ای اجتماعی می‌داند و بر آن است که ترومای فرهنگی (cultural trauma) زمانی رخ می‌دهد که اعضای یک مجموعه احساس کنند تحت یک حمله فجیع قرار گرفته‌اند که تأثیری ماندگار و بازگشت‌ناپذیر در حافظه و خودآگاه گروهی آن‌ها گذاشته و هویتشان را از اساس و برای همیشه تغییر داده است.

وی تعریف عام تروما را، که به دو دسته روشن‌گرانه (enlightenment) و روان‌شناسی (psychoanalytic) تقسیم می‌شود، مطرح و بحث می‌کند (Alexander 2004: 1-2). رویکرد روشن‌گری بیان می‌کند که تروما، چه در سطح فردی چه در سطح جامعه، نوعی پاسخ منطقی به تغییرات ناگهانی است. در واقع، وقتی اتفاقات ناگوار برای انسان‌ها پیش آید آن‌ها شوکه، عصبانی، و آزرده می‌شوند. از دیدگاه روشن‌گری، بدیهی به نظر می‌رسد که رسوایی‌های سیاسی باعث آزرده‌گی، رکودهای اقتصادی باعث ناامیدی، جنگ‌های منتهی به شکست باعث احساس خشم و بی‌هدفی، بلایای طبیعی منجر به وحشت، تعرض به تمامیت بدنی انسان منجر به اضطراب، و فجایع تکنولوژیکی موجب نگرانی و حتی هراس می‌شوند (همان). پاسخ به چنین آسیب‌هایی تلاش برای تغییر شرایطی است که مسبب آن‌ها شده است.

در رویکرد روان‌کاوی، الگویی از ترس‌های عاطفی ناخودآگاه و مکانیسم‌های تحریف‌کننده شناختی از دفاع روان‌شناختی را بین روی داد خردکننده بیرونی و پاسخ آسیب‌زای درونی فرد قرار می‌دهد. هنگامی که اتفاقی ناگوار برای فرد رخ می‌دهد، ممکن است افراد تاحدی دچار ترس شوند که به وسیله آن شاید بتوان تجربه تروما را سرکوب کرد. این بدان معناست که، به جای فعال‌شدن شناخت مستقیم و درک منطقی، واقعه آسیب‌زا در تخیل و حافظه کنش‌گر تحریف می‌شود و تلاش برای انتساب دقیق مسئولیت این روی داد و تلاش تدریجی برای ایجاد پاسخی تقویت‌کننده با فرایند جای‌گزینی تضعیف می‌شود.

الکساندر، با اشاره به دیدگاه‌های اریکسون در درک تفاوت‌ها بین ترومای جمعی و فردی، می‌گوید: منظور از ترومای فردی ضربه‌ای است که به روان وارد می‌شود و ناگهان سپر دفاعی فرد را با چنان شدت و حدتی می‌شکند که فرد نمی‌تواند واکنش مؤثری به آن نشان دهد. منظور از ترومای جمعی، از سوی دیگر، ضربه به لایه‌های اصلی زندگی اجتماعی است که رابطه‌های اتصالی مردم به یک‌دیگر را تخریب کرده و حس گروهی بودن را ناقص می‌کند (پورگیو و بقایی ۱۴۰۰: ۲۳۶).

جفری الکساندر بر آن است که در ترومای جمعی این خود واقعه نیست که در سطح اجتماعی آسیب‌زاست، بلکه برساخت اجتماعی آن در غالب خاطره جمعی را باید مسبب آن دانست. بنابراین، در ترومای جمعی، همانند ترومای فردی، فقط وقتی آرامش به روان فرد بازمی‌گردد که خاطره به حافظه بازگردد و فرد و جامعه با این خاطرات کنار بیایند.

۲. تحلیل متن و یافته‌های پژوهش

دیوار، نخستین اثر داستانی علی‌رضا غلامی (۱۳۵۷)، در ۱۳۹۳ چاپ شد و در همان ابتدا تحسین بسیاری از منتقدان و نویسندگان را برانگیخت. در این رمان، یک نوجوان دهه ۱۳۶۰ تلاش می‌کند زندگی خود را در فضای جنگ‌زده، سرد، و انقلابی روایت کند؛ زندگی‌ای که پایانش به‌انهدام کشیده می‌شود.

دیوار یک داستان جنگ تمام‌عیار است؛ روایتی بی‌طرفانه از جنگ ایران و عراق هم‌راه با نگاهی رئالیستی به این واقعه. در این داستان بخشی از واقعیت تأثیر جنگ در شهرها به‌نمایش گذاشته می‌شود که راوی آن کودکی جنگ‌زده است با لحنی محصول جنگ و خفقان روزهای پس از انقلاب. زبان راوی در دیوار زبانی است که توصیف و هیجان ندارد و، به‌رغم سادگی‌های ظاهری‌اش، گاه به‌شدت متناقض و نامعلوم است.

نویسنده چهارده صفحه ابتدای داستان را به نوستالژی‌های دوران نوجوانی نسل خود، همان نظم پادگانی مراسم صبحگاهی و ظهرگاهی، اختصاص داده و ناظمی بدخلق، که هم‌نسل‌هایش، امثال آن‌ها را خوب می‌شناسند. او با جسارت شروع رمانش را به دست کودک پُرنفرتی سپرده که از سرما و آقای رسولی، ناظم مدرسه، و قوانینش در رنج است و هیچ کاری هم از دستش بر نمی‌آید و آن‌جا که این لحن بی‌اعتنا و زبان طنز مختص به سن و سال راوی می‌خواهد کسل‌کننده و تکراری شود، ناگهان، انفجار مدرسه و صدای مهیب ورود جنگ به داستان مخاطب را غافل‌گیر می‌کند. از آن‌پس، دیگر ریتم رمان حفظ می‌شود و حادثه پشت حادثه اتفاق می‌افتد. به این ترتیب، حوادث یکی پس از دیگری رخ می‌دهند و راوی با تمام خون‌سردی‌اش در به‌تصویر کشیدنشان نمی‌تواند جلوی هجوم وحشت جنگ را بگیرد. هرچه جلوتر می‌رویم، تناقضی که بین لحن خون‌سرد و انشاگونه پسرک با تصاویر هول‌ناک جنگ و انبوه جنازه و درد و اندوه وجود دارد بیش‌تر می‌شود و دیوار روایتی می‌شود از درد انسان‌ها در مصیبتی به نام جنگ. به این ترتیب، می‌توان گفت دیوار تماماً روایتی از تأثیر جنگ در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست؛ از راوی

بازنمایی ترومای ناشی از جنگ ... (شیرزاد طایفی و آذر صوابی اصفهانی) ۱۷۵

نوجوانش گرفته تا دیگر مردم جنگ‌زده شهر و زیست اجتماعی و شهری آنها و شخصیت‌هایی که به نوعی با تروما دست‌به‌گریبان‌اند؛ آسیبی که نویسنده به‌هیچ‌روی تلاشی بر پنهان کردن آن از چشم مخاطب نکرده است.

۱.۲ سایه تروما بر فضای کلی داستان

زبان و لحن این روایت از ویژگی‌های مهم آن است که با موضوع تروما تناسب کاملی دارد؛ لحن بی‌اعتنای شخصیت‌های داستان، به‌ویژه همین راوی نوجوان و آسیب‌دیده، که بی‌عاطفگی، کرختی، بی‌رحمی، نفرت، و دوری‌گزیدن از همه‌چیز و همه‌کس در آن موج می‌زند خود از نشانه‌ها و پی‌آمدهای تروماست.

درواقع، تجربه تروما نوعی کرختی به‌وجود می‌آورد که سبب می‌شود فرد از احساسات خود فاصله گرفته. انگار واژه‌ها نمی‌توانند بار تجربه و احساس فردی را که دچار تروما شده به‌دوش بکشند و انتخاب و استفاده از واژگان برای بیان احساسات به کار دشواری تبدیل می‌شود (موسوی‌نیا و دیگران ۱۳۹۹: ۲۴۲).

وحشت در دیوار نیز از دلایل اصلی و مؤثر در ایجاد تروماست که بر کل داستان سایه افکنده است؛ وحشتی که از ابتدا تا انتهای داستان بر فضای آن حاکم است. فروید معتقد است: «در هنگام وقوع جنگ، شدت پی‌آمدهای درگیری، علی‌رغم هر سطحی از آمادگی روانی برای جنگ قریب‌الوقوع، برای فرد و جامعه غافل‌گیرکننده است که این امر درکنار اضطراب به احساس روانی‌ای منجر می‌شود که رعب (fright) نام دارد» (فروید ۱۳۸۲: ۳۰). راوی داستان دیوار و دیگر شاگردان مدرسه نه‌تنها تحت ترس و وحشت روزهای جنگ‌اند، که با خشونت و ارباب‌ناظم مدرسه نیز روبه‌رو می‌شوند و به انسان‌هایی سراسر وحشت و اضطراب تبدیل شده‌اند:

سعی می‌کردم بدنم را شل نگه دارم تا جلوی لرزش آنها را بگیرم. بااین‌حال، هرچندثابته یک بار بدنم می‌لرزید و نمی‌توانستم جلوی آن را بگیرم. حتی یک بار پام از روی خط زرد بیرون زد و پیشانی و کف دست‌هام عرق کردند (غلامی ۱۳۹۴: ۸).

حرکت این داستان از مدرسه آغاز و به شهر و خانه‌های آن ختم می‌شود و به این ترتیب کودکان مدرسه اولین قربانیان تروما در این داستان‌اند، اما تروما، مانند هر پدیده دیگر، دلایل و پی‌آمدهایی دارد که هم فردی است و هم اجتماعی. نگارندگان در این

داستان نیز مهم‌ترین و پُربسامدترین دلایل ایجاد ترومای ناشی از جنگ را یافته‌اند و در ادامه به هریک از این موارد همراه با شدت تأثیر آن‌ها در میزان آسیب به شخصیت‌های داستان خواهند پرداخت و در هر بخش فقط به چند مصداق اشاره خواهند کرد، که البته در متن موارد متعددی را می‌توان یافت.

۲.۲ عوامل بروز تروما و چگونگی بازتاب آن در داستان دیوار

در طی تاریخ، همه جنگ‌ها پی‌آمدهایی همراه داشته‌اند که، باتوجه‌به زمان و مکان روی‌دادشان، بعضی پُرنرنگ‌تر و برخی کم‌رنگ‌تر ظاهر شده‌اند. شاید بمباران‌های هوایی و استفاده از سلاح‌های شیمیایی یا هسته‌ای از نقطه‌ای در تاریخ به نحوه ستیز و مشخصه برخی از جنگ‌ها وارد شدند، اما عواملی چون کشتار و ویرانی همواره بخشی جدانشدنی از هر جنگ بوده‌اند. در رمان دیوار نیز پُربسامدترین مشخصه جنگ در قالب خشونت، ویرانی، صدهای ناهنجار، کشتار، و دیسپلین (در معنای نظم پادگانی و پُرتنش) به‌تصویر کشیده شده‌اند که نگارندگان در این بخش ارتباط میان این مشخصه‌ها و پی‌آمدهایشان در بروز تروما را بررسی می‌کنند. درحقیقت، آنچه در این پژوهش برای نگارندگان اهمیت دارد این است که پی‌آمدهای پُربسامد جنگ در این رمان از چه طریق به روح و روان شخصیت‌های درگیر جنگ در داستان آسیب وارد کرده و با کدامین نشانه‌ها در این شخصیت‌ها نمود یافته‌اند؛ شاید راوی از نگاه برخی مخاطبان فقط کودکی کم‌حرف یا خجالتی باشد که بی‌ساخت‌وسازی جنگی را روایت می‌کند، اما با بررسی تعاملی پی‌آمدهای جنگ و نشانه‌های تروما متوجه خواهیم شد که راوی بی‌نام داستان به‌شدت با آسیب‌های تروماتیک دست‌وپنجه نرم می‌کند.

۱.۲.۲ خشونت

شاید نتوان تعریف مشخص، موردتوافق، یا خالی از مناقشه‌ای درباره خشونت، که اصطلاحی بیش از حد گسترده است، ارائه داد، اما اگر آن را با نگاهی کلی «قراردادن دیگران در وضعیتی برخلاف خواستشان» (آوتویت و باتامور ۱۳۹۲: ۴۱۷) تعریف کنیم، می‌توان گفت خشونت را باید از ارکان جدانشدنی هر جنگ به‌شمار آورد. با نگاهی به ادبیات جنگ ایران و جهان، خواهیم دید که این داستان‌ها، با هر هدف و هر شیوه روایت، ناگزیر به نمایش نوعی از خشونت‌اند؛ چه این درگیری از سر عقیده و باور و دفاع باشد چه

به سبب حمله و تجاوز و با شقاوت و بی رحمی، چه انسان‌ها به خواسته خود به خطوط مقدم رفته باشند چه از سر اجبار، همگی، در دسته خشونت قرار می‌گیرند. اما خشونتی که در داستان دیوار روایت می‌شود خشونتی نیست که صرفاً میان دو طرف درگیر در جنگ صورت گرفته باشد، بلکه خشونت در اجتماع انسان‌های درگیر جنگ است. خشونت خود یکی از عوامل اصلی ترس و وحشت، اضطراب، اختلال در رفتار، و گاه احساس شرم و احساسات دردآلود دیگر می‌شود که همگی از مؤلفه‌های اصلی تروما هستند.

درواقع، رعب ناشی از شرایط جنگ، که اغلب مستلزم تهدید جانی و رنج روانی تأثیرپذیرفته از خشونت نبرد، تلفات ناشی از آن، تأثیرات اجتماعی و اقتصادی، درگیری نظامی، و حتی اشغال است، در فرد حس ناامنی، بی‌ثباتی، شرم، یا خشم را پدید می‌آورد و به این ترتیب هم درمورد سربازان هم غیرنظامیان، حتی بدون آن‌که جراحت فیزیکی رخ داده باشد، عامل بروز تروما در فرد می‌شود (خسروشاهی بناب و حسامی کرمانی ۱۳۹۶: ۷).

نویسنده در این اثر هیچ کوتاهی در روایت خشونت جنگ ندارد و بر رؤیت‌ناپذیری هیچ‌یک از مصائب جنگ تلاشی نکرده است. صحنه‌های منجرکننده در داستان فراوان‌اند؛ صحنه‌هایی که شاهدان عینی آن زنان و مردان و کودکان و در یک کلام قربانیان جنگ‌اند: «آن‌جا داشتند جنازه‌ها را از لای آجرها و آهن‌ها بیرون می‌کشیدند ... زن‌ها هم بودند. آن‌ها از خاک آوار روی سرشان می‌ریختند و بعد به سر و صورتشان می‌زدند و از خدا می‌پرسیدند چرا پسرشان را از آن‌ها گرفته ...» (غلامی ۱۳۹۴: ۳۰).

او خشونت را با جسارت تمام با همه جزئیاتش روایت می‌کند و آن‌جاکه راوی قرار است، از سر کودکی و بی‌طرفی، بدون هیچ قضاوت و اظهارنظر شخصی، به دیده‌ها و شنیده‌های خود وفادار بماند، می‌ماند و تنها روایت می‌کند.

خشونت در این داستان ابتدا با رفتار تحکم‌آمیز آقای رسولی، ناظم مدرسه، در قالب تحقیر، تهدید، و ارباب‌پدیدار می‌شود: «کسی که برای قرآن خواندن می‌رفت حق نداشت راه برود، باید می‌دوید» (همان: ۱۳). در بخش اول داستان، که در مدرسه می‌گذرد، حرکت روایت از اضطرابی به اضطراب دیگر است و احساس ترس و وحشت کودکان در سرمای زمستان بر فضا غالب است، اما ناگهان، با اصابت موشک به مدرسه کناری و ورود جنگ به داستان و قطع شدن گردن ناظم مدرسه و جان‌کندن او مقابل چشم کودکان، وحشت و خشونت در داستان اوج می‌گیرد: «آقای رسولی روی زمین افتاده بود و دست‌وپا می‌زد. او نمی‌توانست برگردد. از گردنش خون می‌آمد و یک‌دفعه می‌لرزید» (همان: ۱۵).

در این بخش از داستان، تعدادی از کودکان، که شاهد جان‌کندن آقای رسولی‌اند، خالی از هر عاطفه و با بی‌رحمی تمام، به فحاشی مشغول‌اند و عده‌ای از ترس زبانشان بند آمده است. تروما در این بخش از طریق شوکه‌شدن، قفل‌شدن دهان کودکان، دلهره، شیون، و حتی فحاشی، که از اختلالات رفتاری در افراد به‌خصوص کودکان درگیر تروماست، بازتاب پیدا می‌کند و این وحشت و اضطراب تا پایان داستان در میان مردم شهر ادامه می‌یابد.

در *دیوار*، روایت وحشت بمباران، اصابت موشک، مرگ غیرنظامیان، بیرون‌کشیدن اجساد از زیر آوار، شیون زنان و مردان در خیابان به‌دنبال اجساد فرزندانشان، خاک‌سپاری در گورستان، تحقیر کودکان، خفقان در شهر، و ... همگی، گویای وحشت لحظه‌ها و بیان‌کننده احوال و روان رنجور مردم دردمند آسیب‌دیده در جنگ است.

۲.۲.۲ ویرانی

ویرانی واقعیت تلخی است و یکی از ارکان جدایی‌ناپذیر هر جنگ. جنگ به‌خودی‌خود چیزی جز ویرانی، خرابی، و تباهی نیست. ذات ویران‌گر جنگ همه‌چیز را تباه می‌کند و به‌هیچ‌روی از آن گریزی نیست و هرگز نمی‌توان آن را در روایت جنگ، از دید مخاطب، پنهان کرد، اما یکی از بدترین اشکال جنگ و ویران‌سازی بمباران‌های ویران‌گر آن است که به‌ناگاه رخ می‌دهد. «از نظر کروت، تروما یک تجربه طاق‌فرسا از روی داده‌های ناگهانی و فاجعه‌آمیز است که رنج شدیدی برای فرد به‌ارمغان می‌آورد» (پورگیو و بقایی ۱۴۰۰: ۲۳۲).

در داستان *دیوار*، جنگ با صدای مهیب و ناگهانی اصابت موشک به مدرسه کر و لال‌ها، ویرانی آن، و شوکه‌کردن کودکان در مدرسه راوی، که چند خیابان آن‌طرف‌تر است، به داستان پا می‌گذارد: «یک‌دفعه صدای وحشت‌ناکی آمد و شیشه‌های مدرسه پایین ریخت. با آن‌که همه شیشه‌ها را چسب ضرب‌دری زده بودند، ولی آن‌ها ریختند» (غلامی ۱۳۹۴: ۱۴).

دیوار روایت یکی از بی‌رحمانه‌ترین ویرانی‌هاست؛ ویرانی مدرسه و مرگ کودکان:

آخر خیابان اصلی که رسیدم فهمیدم مدرسه کر و لال‌ها دیگر وجود ندارد. ظهر وقتی مدرسه می‌رفتم سالم بود، با این‌حال موشک چیزی از آن باقی نگذاشته بود. دیوارهای حیاط خراب شده بودند و از ساختمان مدرسه هم چیزی باقی نمانده بود. نیمکت‌های چوبی را موشک سوزانده بود (همان: ۳۱).

بمباران، به‌خصوص در آن‌جا که مانند روایت صفحات اولیه *دیوار* ناگهان رخ بدهد، برای بازماندگان، که قربانیان اصلی ماجرای تلخ این ویرانی‌اند، شدیدترین نوع تروما را

بازنمایی ترومای ناشی از جنگ ... (شیرزاد طایفی و آذر صوابی اصفهانی) ۱۷۹

به دنبال خواهد داشت. از دست دادن خویشان، به خصوص به صورت ناگهانی و مواجهه با تصاویری چون انسان‌های مانده در زیر آوار، می‌تواند یکی از سخت‌ترین انواع تروما را بر شخص تحمیل کند، زیرا در واقع اضطراب سازوکاری محافظتی در برابر تروماست و آن‌جا که بلایی ناگهان و در غیاب اضطراب رخ دهد این ترس غیرمنتظره با هیچ دفاعی روبه‌رو نخواهد شد و این عامل خارجی سیستم بدون آمادگی را شوکه می‌کند: «بیش‌تر بچه‌ها گوش‌هایشان را گرفته بودند و سعی می‌کردند جیغ بزنند، اما دهنشان قفل شده بود. من بلافاصله روی زمین نشستم و سعی کردم آب دهنم را جمع کنم و چند بار قورت بدهم تا گوش‌ها باز شوند ...» (همان: ۱۴).

ویرانی از ابتدای داستان با بمباران مدرسه آغاز می‌شود و تا ویرانی خانه اهالی محل، دوستان، و سرانجام خانه خود راوی، جایی که جسد مادرش را میان آوارهای خانه‌های محل می‌بیند، ادامه می‌یابد، اما این آسیب فقط در لحظاتی پس از بمباران شهر ایجاد نمی‌شود. درحقیقت، یکی از دلایل بروز تروما، همان‌طور که پیش از این گفته شد، تأثیر رنج‌آور و دردناک حس وحشت و اضطراب در انسان‌هاست که در این روایت به وضوح و در لحظه شنیدن صدای هواپیماهای دشمن به وفور دیده می‌شود:

اول بدنمان به لرزه افتاد و بعد دندان‌ها مان به هم خورد. مادرم گفت باید تحمل کنیم و از من خواست بدنم را شل کنم ... بعد دست‌ها را دور پاهام جمع کردم و سرم را بین دو تا پاهام جا دادم و تاجایی که توانستم آن را پایین بردم و به جاهایی فکر کردم که هواپیمای عراقی می‌تواند به آن‌ها حمله کند ... (همان: ۸۸).

به این ترتیب، ویرانی، چه پیش از بمباران‌ها و در قالب دلهره و وقوع چه پس از آن و با دیدن ویرانه‌ها و اجساد مانده در زیر آوار، نقش بارزی در آسیب‌زدن به انسان‌های درگیر جنگ دارد. در واقع، اضطراب و دلهره در درون فردی که در معرض خطر مرگ است و نتیجه این تهدید را پیش از این در تکه‌پاره‌های بدن هم‌کلاسی‌ها و اطرافیان دیده سبب بروز آسیبی شدید خواهد شد. صحنه‌هایی از این قبیل در این روایت در قالب گفت‌وگوی راوی نوجوان داستان با خود نیز در لحظات وحشت بازتاب یافته است:

از خلبان‌های عراقی خواستم دور محله ما را خط بکشند. حتی به آن‌ها گفتم امروز چند بار نزدیک محله ما بمب ریخته‌اند و فکر می‌کنم برای امروز کافی باشد. بعد با خودم فکر کردم خلبان‌ها ممکن است از خواسته من بی‌خبر بمانند. برای همین، مجبور شدم

سراغ خدا بروم و از او بخواهم هر جور می‌تواند حرفم را به خلبان‌های عراقی منتقل کند (همان: ۸۸).

صحنه‌های تروماتیک، بر اثر ویرانی‌های جنگ، در این روایت فراوان است. از صفحات اولیه داستان و گشت‌زدن بی‌صدا و مهیوتِ راوی میان آوارها به دنبال جسد برادرش تا دیدن جسد مادرش زیر آوار در پایان داستان و گذشتن از کنار آن در کمال سردی و بی‌اعتنایی:

روی پتوهای کهنه‌ای که با آن‌ها صورت مرده‌ها را پوشانده بودند چند تا آجر بود که نمی‌گذاشتند باد پتوها را بلند کند ... من متوجه شدم جنازه دومی مامانم است ... یکی از زندایی‌های پرستو را دیدم که کنار جنازه‌ها نشسته بود و بی‌تابی می‌کرد ... من کلاه کشی‌ام را دوباره پایین کشیدم و دست‌هام را توی جیب کاپشنم کردم و زندایی پرستو را با جنازه‌ها تنها گذاشتم و از خرابه بیرون آمدم (همان: ۱۱۸-۱۱۹).

راوی از آغاز داستان مشخصاً کودکی دچار تروماست که در پایان داستان با حصول اطمینان از جدایی او از اجتماع و انسان‌ها و بی‌اعتنایی‌اش در برابر آن حجم از وحشت این خشم و افسردگی و شدت آسیب نمایان‌تر می‌شود؛ تا آن‌جا که در پایان کلاه کشی‌اش را در دست می‌فشارد و می‌گوید از همه چیز و همه کس متنفر است.

۳.۲.۲ صداهای ناهنجار

صداهای ناهنجار ایجاد ترس، وحشت، و اضطراب می‌کند؛ گاه شوک یا حتی در اشکال کوچک‌تر شرم و بسیاری از احساسات ناخوش‌آیند دیگر؛ چه این صداها ناگهانی و بی‌مقدمه باشند چه بر اثر اتفاقات ناگواری که ما در میان آن‌ها قرار گرفته‌ایم روی دهند. فریاد و صداهای گوش‌خراشی مانند شیون یا صدای بمباران می‌تواند هم دلیلی برای ایجاد آسیب به روان انسان‌ها به‌شمار آید هم در جایگاه پی‌آمد تروما در حالت خشم و درماندگی انسان‌ها قرار گیرد. واکنش به حوادث تروماتیک و شوک ناشی از آن در هر فرد متفاوت است؛ همان‌طور که در مقابل صدای مهیب اصابت ناگهانی موشک به مدرسه این شوک در برخی کودکان در قالب قفل‌شدن دهان و در دیگری در قالب فریاد و فرار رخ می‌دهد.

به‌هر شکل، جنگ با خشونت ویران‌کننده‌اش همواره در بردارنده صداهایی ناهنجار از موشک‌باران تا شیون و فغان انسان‌هاست. در این روایت فریادها در ابتدای داستان و در فضای مدرسه با تهدید و ارعاب ناظم در فضای انقلابی و جنگ‌زده آن دوران در مدارس

آغاز می‌شود و از همان ابتدا درمی‌یابیم که با فضایی سرشار از دلهره و وحشت روبه‌رو خواهیم بود که باید همه‌چیز را با فریاد گفت و شنید.

از خط چهارم داستان، که ناظم مدرسه فوت «محکم»ی در میکروفون می‌کند و با «صدای بلند» دیکته قوانینش را شروع می‌کند، این صداهای بلند و فریادها در داستان آغاز می‌شود: «وقتی اولین مرگ بر آمریکا را گفتیم، آقای رسولی داد زد صدای ما تا سر خیابان هم نمی‌رود» (همان: ۱۲). رسولی فریاد می‌زند و فریاد می‌خواهد و این کودکان فرمان‌بردار با وحشت و اضطراب سراپا گوش‌اند، اما ناگهان این سکوت با مجروح شدن رسولی می‌شکند و به خشم و نفرت و رفتارهایی ناهنجار بدل می‌شود؛ به گونه‌ای که در لحظه جان‌کندن رسولی حس‌رهایی از این وحشت و جبران تحقیرها را با یکی از پی‌آمدهای تروما، که «اختلال در رفتار کودکان» است، بر سر جسم نیمه‌جان رسولی می‌بینیم؛ کودکانی مضطرب، بی‌عاطفه، و خشمگین:

یکی از بچه‌ها با لهجه محلی گفت معلم‌ها آدم‌های نکبت و عقده‌ای هستند و هرچه از این بلاها سرشان بیاید کم است ... بعد، به سر و گردن آقای رسولی نگاه کرد که دورورش خونی شده بود. آن وقت آبی را که توی دهنش جمع کرده بود پشت ناظم مدرسه انداخت. تُف پسره شکلاتی و خونی بود و مثل جای یک گلوله روی پیرهن سفید آقای رسولی ماند (همان: ۱۷).

درواقع، این رفتار ناشی از زخم‌های عاطفی شدید و عمیق و پی‌آمد نهایی مواجهه با بحران‌هایی از جنس تروماست. از نشانه‌های این اختلال، که در این داستان فراوان دیده می‌شود، خشم، رفتارهای وسواسی، بی‌عاطفگی، و بازگشت به حوادث آسیب‌زای گذشته است: «کنار جایزه‌ها شیلنگ آقای رسولی هم بود که با آن کف‌دستی می‌زد. توی یک سالی که این‌جا آمده‌ایم آقای رسولی هفت بار به من کف‌دستی زده بود» (همان: ۲۱).

اگر برای نقش فریاد و صداهای ناهنجار در ایجاد تروما به همین مقدار بسنده کنیم، در ادامه باید به فریادهای گوش‌خراش انسان‌های این داستان در رویارویی با حوادث تروماتیک اشاره کنیم. فریاد غالب در این روایت، همان‌طور که خود راوی نیز بیان می‌کند، فریاد و شیون زنان و مادران داغ‌دیده است: «صدایی که بیش‌تر از همه می‌آمد صدای ضجه و جیغ زن‌ها بود» (همان: ۳۶)؛ زنانی که ناگاه با مرگ کودکی که قرار بود ظهر از مدرسه به خانه بازگردد روبه‌رو می‌شوند و این فریادها از فصل دوم داستان تا پایان کتاب ادامه می‌یابند:

از توی خانه‌ها صدای گریه و قرآن می‌آمد. صدای گریه بیش‌تر برای زن‌ها بود که خدا را صدا می‌زدند و از او می‌پرسیدند شب را چه‌طوری بدون پسرشان صبح کنند؟ پنجره‌ها باین‌که بسته بودند، ولی صدای آن‌ها بیرون می‌آمد. مثلاً، زن عباس‌آقا اسم پسرش را بلندبلند تکرار می‌کرد تا از نفس می‌افتاد و صدایش قطع می‌شد (همان: ۷۳).

در این داستان، همه‌جا همه‌مه است و این صداهای بلند از صدای بمباران و آژیر قرمز گرفته تا شیون و فغان زنان، صدای عبدالباسط که در کوچه و خیابان پیچیده تا مارش نظامی که از رادیوی بقالی آقای فرزانه پخش می‌شود، و شعار مردم در خیابان، همگی، ضمن این‌که ذیل مبحث ترومای جمعی یا فرهنگی جای می‌گیرند، نشان از فضای غم‌زده، اندوه‌بار، سرشار از دلهره، و پُر خفقان دوران جنگ دارند.

۴.۲.۲ کشتار

روایت مرگ و کشتار غیرنظامیان در این داستان به‌سبک واقع‌بینانه و با جزئیاتی منجزکننده همراه است، اما این مرگ از جنس مرگ‌هایی هم‌راه با مفهوم شهادت و غبطه بر آن یا جان‌بازی و ایثار و ستایش آن‌ها نیست و با هیچ‌یک از این مفاهیم پیوند نخورده است.

کشتار در دوران جنگ یکی از دلایل ایجاد تروما در بازماندگان است. باین‌حال، شدت این اتفاق در میان کسانی که بستگانی در جبهه‌های جنگ دارند، در مقایسه با کسانی که در شهرها و به‌طور ناگهانی خانواده خود را از دست می‌دهند، کم‌تر است، زیرا وجود اضطراب در دسته اول و نگرانی همواره آن‌ها از رسیدن خبری مبنی بر ازدست‌دادن نزدیکان سبب می‌شود دیوار محافظتی در برابر ضربه روحی ایجاد شود؛ درحالی‌که این ضربه در مادری که به‌طور ناگهانی طی بمباران یا عملیات انتحاری همسر یا فرزندش را از دست می‌دهد شدیدتر و حادثه‌ای به‌شدت تروماتیک است. مرگ و کشتار در این روایت از این دست است. مادرانی که از مرگ ناگهانی کودکانشان شوکه‌اند یا به سر و صورت خود چنگ می‌زنند و فریاد می‌زنند یا حادثه را انکار می‌کنند؛ همان‌طور که راوی لحظه رویارویی مادرش با جسد جمشید، برادر راوی، را این‌گونه توصیف می‌کند: «او چادر را از روی فرغون کنار زد و جمشید را دید. اول باورش نشد و حتی ماتش برد ... او به جمشید زل زد و یک‌دفعه جیغ کشید و چند بار با صدای بلند گفت: "نه"» (همان: ۴۶).

مرگ در این داستان درد ازدست‌دادن است و تنها ماندن؛ گله از خداست که چنین مصیبتی را برای آن‌ها رقم زده است. تصویر مرگ تصویری واقعی از اتفاقی تروماتیک است

بازنمایی ترومای ناشی از جنگ ... (شیرزاد طایفی و آذر صوابی اصفهانی) ۱۸۳

نه میل به شهادت‌طلبی و رسیدن فرزندان به فیض شهادت توسط مادران و پدران داغ‌دار، بلکه اعتراض به تقدیر و سرنوشت و پناه‌بردن به خدا و درددل با او و گاه اعتراض به اوست که فراوان دیده می‌شود: «زنه روی جنازه پسره افتاد و با مشت روی سینه او کوبید. من فهمیدم اسم پسره امیر بود، چون زنه داشت با صدای بلند از خدا می‌پرسید چرا امیرش را کشته ... بعد جیغ کشید و از خدا پرسید مگر نمی‌شنود؟» (همان: ۲۳). درحقیقت، کشته‌شدگان در این اثر دلیران حماسه‌ساز نیستند؛ انسان‌هایی هستند که به‌آسانی جان می‌دهند و خانواده‌هایی که در پی این حوادث آسیبی جبران‌ناپذیر را تجربه می‌کنند: «مرد می‌گفت سه پسرش را توی ده روز از دست داده و چراغش برای همیشه خاموش شده؛ موهای دستش سیخ شده بود و شانهاش می‌لرزید ...» (همان: ۲۲).

۵.۲.۲ دیسپلین

دیوار با یک نظم پادگانی در مدرسه آغاز می‌شود. رسولی عامل اجرای نظم است و همه چیز طبق برنامه پیش می‌رود و هیچ‌کس اجازه ندارد «تمرد» کند، اما داستان قرار است داستان جنگ باشد؛ پدیده‌ای که در طی آن زندگی نظم معمول خود را از دست می‌دهد و درحین آن حتی نظم محتوم نظامی نیز دچار خدشه می‌شود و ناگهان یک موشک همه‌چیز را از هم می‌پاشد. داستان دیوار از همان ابتدا با صدور فرمان از جلونظام توسط آقای رسولی، ناظم مدرسه، آغاز می‌شود: «مثل همیشه دو بار توی میکروفون فوت کرد تا مطمئن شود که بلندگوها سالم‌اند و با صدای بلند فرمان از جلونظام را صادر کرد» (همان: ۱).

در این داستان، مدرسه کاملاً شبیه به یک اردوگاه نظامی تصویر شده است و نظم و تحکم و سخت‌گیری انضباطی یک پادگان به‌وضوح در آن دیده می‌شود: «خبر ... دار؛ این مهم‌ترین دستوری بود که در تمام بعدازظهر از بلندگوی مدرسه صادر می‌شد ...» (همان: ۹).

رسولی، با تحکم و خشونت شدید، به‌دنبال حفظ آرمان‌های انقلاب و برقراری نظم است؛ ایجاد این نظم از سوی او دائماً با ارعاب، خشونت، و مجازات، در صورتِ تمرد، همراه است:

پای هیچ‌کس نباید از خط زرد بیرون می‌زد، چون این کار تمرد به حساب می‌آمد و آقای رسولی آن را تحمل نمی‌کرد. من معنای این کلمه را نمی‌دانستم، اما کسی که دچار تمرد می‌شد باید از صف بیرون می‌رفت و روی خط ۱۳ می‌ایستاد و بعد از مراسم با پای برهنه روی یخ‌های کف حیاط راه می‌رفت (همان: ۸).

او با ایجاد فضایی توأم با رعب و وحشت و اعمال خشونت سعی در برقراری نظم دارد و به این ترتیب کودکان را در معرض ترس و اضطراب و شرم قرار می‌دهد که همه این عوامل می‌توانند سبب آسیب‌هایی جدی در کودکان شوند؛ همان‌طور که راوی در مواجهه با چنین خشونت‌های احساس‌خورد را چنین بیان می‌کند: «درست همان لحظه متوجه شدم که بعضی وقت‌ها ما از کسی وحشت داریم و اصلاً نمی‌دانیم که از او متنفریم. بعد، موقعیتی پیش می‌آید که دیگر آن وحشت‌ها وجود ندارد و تازه می‌فهمیم که چه قدر از آن‌ها متنفر بوده‌ایم» (همان: ۱۲۵).

این افراد، به محض رهایی از این وحشت، رفتارهایی متناقض در پیش می‌گیرند؛ همان‌گونه که می‌بینیم، کودکان مدرسه تحت این فشارها دچار اختلال در رفتار به شکل فحاشی و دزدی و بعضی دیگر، از قبیل راوی، دچار افسردگی، بی‌عاطفگی، اضطراب، و انزوا هستند. به‌رحال، فشار وارد شده از سوی امثال رسولی‌ها برای ایجاد نظم بی‌معنی بوده و تنها دلیل دسته‌خشونت قرار می‌گیرد و فقط چند دقیقه پس از ورود جنگ به داستان چیزی به نام نظم باقی نمی‌ماند؛ صف‌ها در هم می‌شکنند، شورش و فحاشی و دعوا به‌پا می‌شود، و جسد نیمه‌جان او میان انبوهی از هرج و مرج و بی‌نظمی و های و هوی بچه‌ها بر زمین باقی می‌ماند.

شهر نیز دچار فضایی نظامی و خفقانی مشهود است. لباس‌خاکی‌ها در همه‌جا دیده می‌شوند و قوانین نانوشته را به مردم دیکته می‌کنند؛ حتی کودکان! این رفتارها در کنار ایجاد فضایی پُروحشت و اضطراب در این کودکان احساس تحقیر و شرم‌ساری ایجاد می‌کنند. کودکان در مدرسه خشم و تحقیر را تجربه می‌کنند: «آقای باقری داد زد که چرا ایستاده‌ام و به او نگاه می‌کنم؟ بعد گفت: "احمق بدو"» (همان ۲۱). و در شهر، جایی که از فشار و نظم پادگانی رها می‌شوند، با رفتارهایی از این دست توسط لباس‌خاکی‌ها روبه‌رو می‌شوند: «من به او اطمینان دادم که خلافتی از من سر نزده، ولی او گفت بهتر است من دهنم را ببندم» (همان: ۱۳۹). هوا سرد است، اما کلاه کشی‌ات را در بیاور، دستت را از جیبیت بیرون بکش، صاف بایست، مجازات این کار شلاق است و ... راوی نوجوان قصه بالأخره در جایی عجز خود را در مقابل این رفتارها بیان می‌کند: «نمی‌خواهم بگویم که عصبانی بودم، چون آن‌جا نمی‌توانستم عصبانی باشم. خشم وقتی معنا دارد که شما بتوانید آن را نشان بدهید» (همان: ۱۴۱). به‌طور کلی، بسیاری از انسان‌های درگیر با تروما و در یک کلام آسیب‌دیده دچار خشم‌اند و با این خشم یک‌دیگر را، به‌خصوص کودکان را، که خود درگیر ترومایی به

نام جنگ‌اند، دچار آسیب می‌کنند. این رفتارها از جانب لباس‌خاکی‌ها، پدر جان‌باز راوی، مادران عزادار، معلمان، و ناظران شهر و مدرسه در این داستان دیده می‌شود که دائماً به یک‌دیگر آسیب می‌زنند و در همه این افراد نشانه‌های تروما مشهود است.

این رفتارها، در مجموع، از کودکی بی‌گناه انسانی متنفر از همه‌چیز و همه‌کس می‌سازد تا روایت خود از یک روز جنگی را این‌چنین به‌پایان ببرد: «او برای این‌که سکوت را بشکند، از من پرسید چه احساسی دارم. من کلاه‌کشی‌ام را تو دو تا دست‌هام گرفته بودم و آن را فشار می‌دادم. گفتم: "نفرت". او ساکت شد و ما منتظر ماندیم ...» (همان: ۱۴۲).

۳. نتیجه‌گیری

دیوار آسیب‌های جبران‌ناپذیر بر روان افراد درگیر جنگ و جامعه جنگ‌زده را به‌خوبی بازگو می‌کند. درون‌مایه این رمان سیر فروریختن است؛ از ویرانی دیوار مدرسه و خانه‌ها تا ویرانی انسان‌ها. دیوار به‌خوبی به بازتاب مصائب جنگ و جنبه‌های منفی و تأثیر تخریب‌های آن در زندگی مردم و جامعه پرداخته است.

پی‌آمدهای پنج مشخصه پُربسامد جنگ در این رمان، یعنی خشونت، ویرانی، صداهای ناهنجار، کشتار، و دیسپلین، به‌ترتیب بیش‌ترین نقش را در بروز تروما در شخصیت‌های این داستان و جامعه جنگ‌زده داشته‌اند. در این داستان، بنیاد خانواده و روابط اجتماعی انسان‌ها دگرگون شده و تروما هویتی برای این انسان‌ها باقی نگذاشته است؛ تا آن‌جاکه راوی بی‌نام است و شهر جنگ‌زده نیز نامی ندارد. این بی‌نام‌نشانی می‌تواند حاکی از هویت از دست‌رفته مردم به‌سبب ترومایی به نام جنگ باشد. این تروما دیگر فقط فردی و شخصی نیست، که ترومایی در حد یک جامعه است. همه مردم شهر عزادارند. از ابتدا تا انتها صدای شیون و فریاد شهروندان جنگ‌زده را می‌شنویم و کودکی منزوی که با لحنی سرد و عاری از عاطفه فقط روایت می‌کند. قحطی‌های دوران جنگ، شعارها، نفرین‌ها، خاک‌سپاری‌های جمعی، جمع‌کردن اجساد از زیر آوار، وحشت بمباران‌های گاه و بی‌گاه، صدای آژیر قرمز، فرار، کشتار، و خفقان موجود در شهر و خانه‌ها سبب‌ساز بروز ترومای جمعی در میان مردم شهر شده است. پی‌آمدها و نشانه‌های عینی تروما در شخصیت‌های داستان در قالب اضطراب، سردی و بی‌عاطفگی، کرختی و انزوا، شوک، اختلال در رفتار کودکان، پرخاش، مرور خاطرات تلخ، نابودی ارتباطات انسانی، و ازهم‌پاشیدن خانواده‌ها نمود یافته است.

زبان و لحن گزارش‌گونه و عاری از عاطفه و تخیل راوی، که با اتکا بر منطق کودکانه خود آن‌چه را در اطرافش اتفاق می‌افتد بیان می‌کند، سبب شده بخشی از آن‌چه در جنگ شهرها رخ داده، بی‌هیچ‌کم‌وکاستی، دیده و شنیده شود؛ ارتباطات از هم‌گسیخته، بدن‌های مُثله، مردم وحشت‌زده، دیوارهای ریخته، کودکان در رنج، مادران داغ‌دیده، و شهری سوخته. این ویژگی‌ها در کنار گزارش دقیق صحنه‌ها توانسته دیوار را به بستری مناسب برای انتقال حقایق جنگ به نسل بعد بدل کند و در کنار نشان‌دادن وضعیت جامعه جنگ‌زده در آن دوران ذهن و عاطفه مخاطب را نیز درگیر و حس‌انزجار از پدیده‌ای به نام جنگ را در او ایجاد کند.

انسان‌های دیوار قربانیان خشونت‌ی به نام جنگ‌اند و نویسنده در این اثر، به‌جای روایت صرف از جلوه‌های مقاومت و ایثار، از رنج‌ها و وحشت این انسان‌ها به‌هنگام حملات هوایی سخن گفته است. به این ترتیب، این اثر را می‌توان مرثیه‌ای برای مرگ جسم و جان انسان‌های درگیر در جنگ قلمداد کرد که با منطق روایت جنگ هم‌گام و هم‌سو می‌نماید.

کتاب‌نامه

آوتویت، ویلیام و تام باتامور (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.

احمدی، سیروس (۱۳۹۵)، «رویکردهای جامعه‌شناختی در تبیین وقوع جنگ»، مطالعات تاریخی جنگ، س ۱، ش ۲.

اینشتین، آلبرت و زیگموند فروید (۱۳۹۲)، چرا جنگ؟ ترجمه خسرو ناقد، تهران: پیدایش. بابایی، سما (۱۳۹۴)، «به جنگ و تهدید عادت کرده‌ایم (گفت‌وگو با علی‌رضا غلامی به‌بهانهٔ رمان دیوار)»، روزنامهٔ شهروند، ش ۵۶۳.

بوتول، گاستون (۱۳۶۴)، تبعی در سنتی‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش. بوتول، گاستون (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: علمی و فرهنگی. بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۸۲)، نگاهی به ادبیات پایداری (ادبیات جنگ و موج نو)، به‌اهتمام شاهرخ تندرو، تهران: فرهنگ‌سرای پایداری.

پاینده، حسین (۱۳۹۴)، گشودن رمان (رمان ایران در پرتو نظریه و نقد ادبی)، تهران: مروارید. پرستش، شهرام و عباس جان‌نثاری (۱۳۹۰)، «روایت جنگ ایران و عراق در رمان»، تحقیقات فرهنگی، دوره ۴، ش ۲.

بازنمایی ترومای ناشی از جنگ ... (شیرزاد طایفی و آذر صوابی اصفهانی) ۱۸۷

پورگیور، فریده و احسان بقایی (۱۴۰۰)، «تروما در داستان پسا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱: مطالعه موردی مندنی پور و مک یونن»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۶، ش ۱.
جمشیدی، فرانک (۱۳۸۷)، «گونه‌شناسی روایت‌های جنگ»، فصل‌نامه مطالعات ملی، س ۹، ش ۲، پیاپی ۳۴.

حداد، حسین (۱۳۷۳)، «نگاه آماری به قصه‌های جنگ»، ادبیات داستانی، ش ۱۲۴.
خسروشاهی بناب، مریم و منصور حسامی کرمانی (۱۳۹۶)، «بررسی بازنمود روان‌زخم فردی و جمعی ناشی از دو جنگ جهانی در هنر با نگاهی به آثار دو تن از نقاشان آلمانی»، باغ نظر، س ۱۴، ش ۵۲.

داودی مقدم، فریده و منصوره شاه‌محمد میراب (۱۳۹۲)، «بازنمود پدیده اجتماعی جنگ در رمان پرسه در خاک غریبه»، ادبیات داستانی، س ۲، ش ۵.

زنوزی جلالی، فیروز (۱۳۸۴)، «جنگی چنان و ادبیاتی چنین؟!»، ادبیات داستانی، س ۱۲.
سعیدی، مهدی (۱۳۸۵)، «رویکردهای عمده ادبیات داستانی جنگ»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۷.

غلامی، علی‌رضا (۱۳۹۴)، دیوار، تهران: مروارید.
غلامی، علی‌رضا (۱۳۹۷)، «ادبیات در آستانه دهه چهارم چگونه خواهد شد؟»، ماه‌نامه تجربه، ش ۱.

فاضلی، فیروز و نسرين کریم‌پور (۱۳۸۹)، «جامعه‌شناسی ادبیات؛ شاخه‌ها و روش‌ها»، کتاب ماه ادبیات، ش ۴۵.

فروغی، فاطمه (۱۳۸۵)، «نیم‌نگاهی به اولین کتاب‌شناسی داستان‌های جنگ» (گفت‌وگو با حسین حداد)، ادبیات داستانی، ش ۳۵.

فروید، زیگموند (۱۳۸۲)، برای اصل لذت، ترجمه یوسف اباذری، ارغنون، ش ۲۱.
موسوی‌نیا، سیدرحیم، مهسا دهاقانی، و کریم لویمی مطلق (۱۳۹۹)، «روان‌زخم و پی‌آمدهای آن با تأکید بر دیدگاه اسلاوی ژیتیک»، نقد و نظریه ادبی، س ۵، دوره ۲، ش ۱۰.

میرعابدینی، حسن (۱۳۷۸)، صد سال داستان‌نویسی، تهران: چشمه.

Alexander, J. C. (2004), "Toward a Theory of Cultural Trauma", in: *Cultural Trauma and Collective Identity*, Berkeley: University of California Press.

Brenner, I. (2011), "An Unusual Manifestation of Repetition Compulsion in Traumatized Patients", in: *On Freud's Beyond the Pleasure Principle*, Salman Akhtar and Mary Kay O'Neil (ed.), London: Karnac.

- Eyerman, R. (2001), *Cultural Trauma: Slavery and the Formation of African American Identity*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Eyerman, R. (2011), *The Cultural Sociology of Political Assassination*, New York: Palgrave Macmillan.
- Eyerman, R. (2015), *Is This America? Katrina as Cultural Trauma*, Austin: University of Texas Press.
- Fox, P. (2006), "Confronting Postwar Shame in Weimar Germany: Trauma, Heroism and the War art of Otto Dix", *Oxford Art Journal*, vol. 29, no. 2.
- Freud, S. (1912), *Selected Papers on Hysteria and Other Psychoneuroses*, New York: The Journal of Nervous and Mental Disease Publishing Company.
- Freud, S. (1913), *Totem and Taboo: Some Points of Agreement between the Mental Lives of Savages and Neurotics*, J. Strachey (trans.), London: Taylor & Francis.
- Freud, S. (1920), *Beyond the Pleasure Principle*, London: Norton.
- Freud, S. and J. Breuer (1895), "Studies on Hysteria", *The Standard Edition of the Complete Psychological Works of Sigmund Freud*, vol. II., German (trans.), James Strachey (ed.), London: Hogarth Press.
- Halbwachs, M. (1992), *On Collective Memory*, Chicago: University of Chicago Press.
- Koselleck, R. (2004), *Future's Past*, New York: Columbia University Press.
- Mucci, C. (2013), *Beyond Individual and Collective Trauma: Intergenerational Transmission, Psychoanalytic Treatment and the Dynamics of Forgiveness*, London: Karnac.
- Weisner, L. (2020), "Individual and Community Trauma: Individual Experiences in Collective Environment", *Illinois Criminal Justices Information Authority Center for Violence Prevention and Intervention Research*.